

سه کارگر جوشکار هفشجانی در سانحه

محیط کار جان باختند.



کارگران ضد سرمایه داری / دیماه ۱۴۰۰



آلات آن است که ماشین ها هیچ ریال تازه ای به سرمایه موجود نمی افزایند، فقط ارزش خود را از یک شکل سرمایه به شکل دیگر آن منتقل می سازند، تازه خود آنها نیز توسط نیروی کار زنده، توسط کارگران خلق و سرمایه شده اند. اما کارگر در قبال هر ریال مزدی که می گیرد دهها ریال ارزش اضافی به صورت سود و سرمایه تحویل طبقه سرمایه دار می دهد. با همه این ها، کارگر در منطق سرمایه سوای پیچ و مهره مفلوک ماشین تولید سود هیچ چیز دیگر نیست، وقتی که چنین است. وقتی که می توان این پیچ و مهره

در یک واحد پتروشیمی در ناحیه صنعتی چرم سازی شهرستان بویین زهرا و شهرک صنعتی اشتهارد سه کارگر اهل هفشجان جان باختند. کارگران هفشجانی مثل همه کارگران دیگر کوه عظیم اضافه ارزش ها را تولید می کنند، سرمایه سرمایه داران را به اوج می برند، اما صاحبان سرمایه در ولع سود افزون تر و سرمایه های غول آساطر حاضر به هزینه کردن هیچ پیشیزی برای حفظ جان آنان نیستند. انسان در مرام سرمایه ماشین بی اراده، مفلوک و مطیع تولید بدون هیچ حدود سرمایه است. فرقی با سایر ماشین

مطیع بی آزار را با مهره ای ارزان تر و بی آزارتر جایگزین نمود، چرا باید برای تعمیرش هزینه ای تحمل کرد؟! این سخن رسای سرمایه خطاب به تمامی کارگران دنیا است. تا همین لحظه حاضر صد ها نفر از کارگران هفشجانی به خاطر ایمن نبودن جاده ذوب آهن جان خویش را از دست داده اند و قربانی بی هیچ بهای روند سود آفرینی و خودافزائی سرمایه شده اند. آیا سرنوشت مقدر کارگران و طبقه کارگر این است؟؟؟؟!!! مسلم است که چنین نیست. به هیچ وجه چنین نیست. سرمایه داری یک شیوه تولید ماهیتا ضد انسانی، تاریخا پوسیده، کهنه، میرا و زیر فشار طوفان بحرانهای سرشتی خود است. اگر این کهنه نظام وحشت و دهشت باقی است، بقای آن را صرفا کفن و دفن بودن جنبش کارگری در گورستان سیاه قبول ماندگاری سرمایه، خروج این جنبش از ریل واقعی پیکار آگاه ضد بردگی مزدی و فرار زشت توده های کارگر از سازماندهی خویش به صورت یک قدرت سازمان یافته سراسری شورائی ضد کار مزدی رقم زده است. تا جنبش ما آویختن به قانون و نظم سرمایه را ترک نکوید، تا بساط تحصن نشینی و دخیل بندی به دولت سرمایه را جمع نکنند، تا سندیکاسازی و حزب بازی را از

ساحت فکر، کار، پیکارش پاک نگرداند، تا زمانی که توده کارگر خود را آحاد منفصل و مجزای فروشنده نیروی کار می بینند، تا هنگامی که بهبود زندگی حال و آتی خود را به جدال درون چهاردیواری محیط کار با کارفرما گره می زنند، تا وقتی که چنین است وضع نه فقط همین است که هر روز بسیار بدتر از روز پیش خواهد شد. اگر در پی تغییر این وضع بشرکش جنایت آمیز هستیم باید همه اینها را برای همیشه به دور ریزیم. خود را آحاد متحد یک طبقه عظیم تاریخ آفرین اجتماعی بینیم. دست به کار سازمانیابی شورائی سراسری قدرت شکست ناپذیر و رهائی آفرین طبقه خود گردیم. این قدرت را علیه سرمایه به میدان آریم و اعمال کنیم. مشعل جنگ آخرین تاریخ افروزیم، مبارزه جاری برای تحقق هر خواست روزمره را سنگر پرخروش پیکار علیه بنیاد وجود سرمایه داری سازیم. اینها شعار نیست. ما تمامی راهها، راهکارها، راهبردها، راه چاره ها و همه چیز این خیزش یا برپائی این جنبش را با همزنجیران خود در میان نهاده ایم و هر روز مطابق وسع خود در میان خواهیم نهاد. بیائید دست به دست هم دهیم و یک قدرت سازمان یافته سراسری شورائی ضد بردگی مزدی گردیم.